

استادیار تاریخ معاصر دانشگاه «نیوکسل» بریتانیا در گفت‌وگو با «شرق»:

باهیج سناریویی «کوربین» برنده انتخابات نیست

نوژن اعتضادالسلطنه

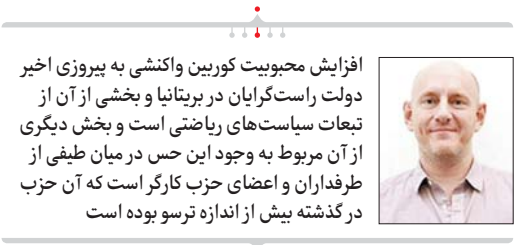


Getty Images

بیان می‌کند درحالی‌که بلر در جریان حمله علیه عراق و مسائل دیگر به رأی‌دهندگان خود خیانت کرد.

«آیا به‌نظران عنوان «سپراس بریتانیا» شایسته کوربین است؟

واقعا این‌گونه نیست چراکه شرایط هر کشوری متفاوت از کشور دیگر است و بریتانیا و یونان نیز از این قاعده مستثنا نیستند.



افزایش محبوبیت کوربین واکنشی به پیروزی اخیر دولت راست‌گرایان در بریتانیا و بخشی از آن از تبعات سیاست‌های ریاضتی است و بخش دیگری از آن مربوط به وجود این حس در میان طیفی از طرفداران و اعضای حزب کارگر است که آن حزب در گذشته بیش از اندازه ترسو بوده است. به دلایلی که ذکر کردم، روند رأی‌دهی به چنین رهبری تسهیل می‌شود. **«از صورتی که جرمی کوربین نخست‌وزیر بعدی بریتانیا باشد، چه تغییری در جهت‌گیری آن کشور ایجاد خواهد شد؟**

افزایش مالیات‌ها، افزایش هزینه در بخش‌های عمومی، خلع‌سلاح هسته‌ای و خروج از اتحادیه اروپا همگی سیاست‌های مدنظر کوربین برای اجرا هستند. بااین‌حال، غیرقابل تصور است که کوربین بتواند نخست‌وزیر بعدی باشد. حتی در صورتی که او رهبر حزب کارگر شود هم امکان پیروزی او در انتخابات عمومی وجود نخواهد داشت؛ در نتیجه، نیازی به نگرانی وجود نخواهد داشت.

«چه تفاوتی میان کوربین و «اد میلیبند» وجود دارد؟ در صورت رهبری حزب کارگر توسط کوربین، چه تغییری در حزب امکان‌پذیر خواهد بود؟ کوربین ایده‌های بیشتری در مقایسه با میلیبند دارد. برای مثال، او با لحن تندتری از نظام سرمایه‌داری و هزینه‌های بخش نظامی و دفاعی انتقاد می‌کند.

«از مقام قیاس میان سه سیاستمدار از حزب کارگر (تونی بلر، اد میلیبند و جرمی کوربین)، تفاوت‌ها و شباهت‌های اصلی چه بوده است؟ به نظر شما کدام‌یک از آنها از قابلیت‌های بهتر و بیشتری برخوردار بودند؟

بلر برنده سه انتخابات بوده است. کوربین به‌هیچ‌عنوان برنده نخواهد شد، بااین‌حال، کوربین با هواداران خود صادق‌تر است و ایده‌آل حزب را بهتر

روابط اسرائیل و آمریکا در دوران اوباما

ماجد کیالی . نویسنده فلسطینی

برمی‌آمد که از قدرت اسرائیل در تسلط بر تحولات جاری منطقه کاسته شده است.

۲- همچنین روشن شد اسرائیل باری سنگین سیاست‌های این کشور در خاورمیانه است، چراکه برای مثال حاضر به پیشبرد روند صلح با فلسطینی‌ها نیست و در مقابل طرح «خاورمیانه جدید» آمریکا نیز که رئیس‌جمهور «بیل کلینتون» هم‌زمان با کنفرانس مادرید (۱۹۹۱) مطرح کرده بود، ایستادگی می‌کند. ۳- بعد از کشف نفت صحراهی در آمریکا، دیگر این کشور مانند گذشته اهمیت چندانی به نفت خاورمیانه نمی‌دهد زیرا خود می‌تواند نیازهایش را تأمین کند و حتی تبدیل به کشوری صادرکننده نفت شده است، بنابراین احساس می‌کند می‌تواند با تحولات خاورمیانه به‌ویژه دوستانه‌ی مانند اسرائیل یا کشورهای عرب، به‌صورت آزادتری برخورد کند. ۴- آن چیزی که موجب تقویت این تفکر «مستقل» از خاورمیانه نزد آمریکا می‌شود، تحولات سیاسی و اقتصادی جهان است که موجب شد تا آمریکا به خاور دور توجه کند و بکوشد تا وزن خود را بیشتر متوجه چین و هند کند. در نگاه آمریکا این دو نیازمند استراتژی‌ای بزرگ برای آینده هستند.

بااین‌حال، باید توجه داشت تغییر به‌وجودآمده در سیاست آمریکا، ازجمله در قبال اسرائیل، یکباره به دست نیامده است.

این مسئله از تغییر روابط بین‌الملل و به‌ویژه پس از آن حاصل شد که آمریکا نظامی تک‌قطبی را به‌وجود آورد، زیرا در دوران جنگ سرد اسرائیل یک بازیگر بزرگ منطقه‌ای بود و از مسئله نزاع آمریکا و شوروی بر سر مناطق نفوذ حداکثر استفاده را می‌کرد

اما بعد از فروپاشی شوروی این طبیعی بود که رفته‌رفته اسرائیل نیز جایگاه سابق خود را از دست بدهد.

در آن دوران سیاست آمریکا در خاورمیانه به‌لحاظ تاریخی اساسا بر چهار محور استوار بود:

جهان

هنرمذاکره چیست؟

ویلیام ولکس . تحلیلگر

تصور کنید به‌عنوان نماینده یک ملت صحبت می‌کنید و برای رسیدن به توافقی بزرگ باید با افراد مهمی مذاکره کنید. اما مشکلی در میان است؛ طرف‌های مذاکره‌کننده بهتر از شما موقعیت‌ها را تحلیل می‌کنند و همه‌روزه در حال گفت‌وگو هستند. پس گام مهم برای توافقی مهم آن است که تاکتیک‌ها و استراتژی‌های آنان را به‌خوبی دریابید. از سوی دیگر، آنچه شما به آن احتیاج دارید، یک استراتژی فوق‌العاده است و دیپلماسی‌ای که شما را به خواسته‌هایتان برساند. البته هرکسی خواهان حرکت به سمت پیش است و برای رسیدن به نیازهایش، حاضر به پرداخت هزینه است؛ اما افرادی که به‌طور موفق مذاکره می‌کنند، تنها کسانی هستند که همه‌چیز را می‌دانند و این تجربه را در درازمدت کسب کرده‌اند.

سیاست عرصه مهمی است و سیاستون به‌عنوان تصمیم‌گیران عرصه‌های مختلف، جایگاه مهمی را دارا هستند. حال این پرسش به‌وجود می‌آید چهره‌های سیاسی باید چطور رفتار و برای تعامل با یکدیگر تلاش کنند تا بتوانند شرایط مطلوبی را برای جهان رقم بزنند. هرچند موقعیت‌ها، غالبا روشن و آشکار هستند، اما مسائل و خواسته‌های اساسی معمولا چنین نیستند. یک رهبر باید با ارزیابی کامل ارزش‌های، باورها و خواسته‌هایی که جهت‌دهنده رفتارهای طرف مذاکره هستند، بر سر میز حاضر شود؛ سیاستی که اکنون به‌خوبی از سوی «باراک اوباما» و «ولادیمیر پوتین»، رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه، رعایت می‌شود. بسیاری از متخصصان معتقدند برای هر رهبر و سیاست‌مداری دانستن نکات کلیدی بسیار بااهمیت است. برای موفقیت در جدال‌های سیاسی، حسان این جدال داخلی باشد یا مسئله‌ای بین‌المللی، مهم‌ترین موضوع دانستن ادبیات گفت‌وگو است. ادبیات سیاسی را می‌توان از سه‌بعد بررسی کرد. نخستین بُعد، حقیقت متن است که به متون سیاسی، قراردادهای و توافقی‌نامه‌هایی برمی‌گردد که سیاستورین بر سر آن با یکدیگر به توافق می‌رسند. بُعد دوم واقعیت متن است؛ یعنی آنچه تحت عنوان سخنرانی‌ها، گزارش‌های سیاسی و بیانات فعالان عرصه سیاست و همچنین سرآمدان سیاست یا آنهایی که تشکیلات‌های حزبی را اداره می‌کنند، مطرح می‌شود. سومین بُعد از ادبیات سیاسی، بُعد واقعیت سیاسی است. اگر نتوانیم همه آنچه پیش‌تر گفته شد، تناقض داشته باشد، زیرا دقت در رفتار کلی آمریکا در منطقه و دقت در اوضاع و احوال شورهای عربی چنین قضاوتی را به ما می‌دهد.

به بیان دیگر، دولت آمریکا با سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود، حتی آن سیاست‌هایی که در دوره اوباما پی گرفته شد، به گونه‌ای رفتار کرد که همواره به ضرر اعراب و به نفع اسرائیل بوده است. اوباما در واقع با عقب‌نشینی خود از عراق راه را برای نفوذ ایران در کل منطقه از یم گرفته تا لبنان باز کرد و از طرف دیگر جلوی هرگونه اقدامی را که به ضرر نظام بشرا اسد بود، گرفت. در واقع آمریکا با این کارهایش نشان داد کاملا به کشورهای عرب پشت کرده است و همه اینها به نفع اسرائیل تمام شد. آمریکا، منطقه را در موجی از هر‌ومرغ و جنگ‌های داخلی غوطه‌ور کرد و گذاشت تا درگیری‌های منطقه‌ای توسعه پیدا کند. حال آنکه این ماجراجوا اسرائیل برنده نخست بود. در این میان دو ارتش بزرگ عربی (سوریه و عراق) بدون اینکه حتی یک گلوله به طرف آنها شلیک شده باشد از پای درآمدند. معنای این حرف آن نیست که آمریکا همه این کارها را به خاطر اسرائیل کرده بلکه بدین معناست که با دنبال‌کردن سیاست «بگذار تا بسوزد»، اجازه داد شرایطی به وجود آید که فقط به نفع اسرائیل باشد.

یادداشت

در «سرمین زیتون»

تورریسم بنیادگرا جایگاهی ندارد

اردششیر زارعی‌قناتی: لبنان به‌عنوان کشوری که تجربه جنگ‌های داخلی و فاجعه فروپاشی حکومت ملی را برای دو دهه در کارنامه تاریخی خود دارد، بیش از هر کشور عربی دیگر در خاورمیانه بلازده امروز، محتاطانه از این تجربه تلخ دوری می‌کند. هرچند برای پایان‌بخشیدن به مناقشه و جنگ داخلی لبنان رهبران سیاسی- مذهبی این کشور به کمک میانجیگران خارجی فراتر از «دموکراسی مالوف» به‌نوعی از حکومت شراکتی و تقسیم قدرت براساس کثتر قومی- مذهبی گردن گذاشتند، ولی به دلیل تحولاتی که امروز در منطقه می‌گذرد، شاید این «پذیرش مصلحت» چندان هم به دور از منطق سیاسی نبوده است. در دو دهه گذشته که جنگ‌های داخلی لبنان را توافقی جناح‌های داخلی و حامیان خارجی پایان یافت تا به امروز با تمام اخلاک‌گری‌ها و تصادماتی که در مقاطع مختلف پیش آمده است، اعم بازیگران سیاسی این کشور سعی کرده‌اند از خطوط قرمز ملی و بنیان توافقات صلح عبور نکنند.

تا قبل از خیزش‌های موسوم به «بهارعربی» که با مدیریت مداخله‌گران خارجی و نقش منفی دوگانه گروه اخوانی- بازماندگان نظام‌های پیشینی به «خران» تبدیل شد، در لبنان جنگ‌های داخلی برخاسته از ترور «رفیق حریری» نخست‌وزیر اسبق این کشور، بزرگ‌ترین بحرانی بود که دولت -ملت لبنان را به مرز منازعات قومی- مذهبی کشاند. این بحران با دوراندیشی رهبران ملی و جناح‌های سیاسی این کشور، تا حدود زیادی مهار شد و تا حدودی با بریدن بند ناف امنیت لبنان از سوریه که نیروهای حافظ صلح آن براساس قرارداد «طائف» در این کشور مستقر بوده و بعد از ترور حریری به دلیل اعتراضات سنی‌ها و بخشی از مسیحیان مارونی که انگشت اتهام را به سمت اداره ضداطلاعات ارتش دمشق نشانه رفته بودند، مجبور به خروج از لبنان شدند، مهار شد. تحولات لبنان و سوریه به لحاظ تاریخی هیچ‌گاه از هم جدا نبوده است و تحولات در هر کدام از این دو کشور همسایه تأثیر مستقیمی بر وضعیت دیگری خواهد گذاشت. در همین دلیل، از سال ۲۰۱۱ میلادی به بحران سوریه با اعتراضات پرآکنده دموکراسی‌خواهانه به سمت جنگ‌های داخلی و منازعات فرقه‌ای جهت‌گیری کرد، بیم سرایت آن به لبنان بیش از هر کشور دیگری در منطقه عربی و همسایه، می‌رفت.

روز شنبه ۱۵ آگوست نیروهای امنیتی لبنان روحانی سلفی شیخ «احمد الاسیر» در فرودگاه بیروت زمانی که با قیافه مدبل و پاسپورت جعلی قصد خروج از کشور به مقصد مصر را داشت، دستگیر کردند.

دستگیری الاسیر بعد از چند ماه کار اطلاعاتی و تعقیب امنیتی انجام شد و بالاخره این رهبر سلفی و حامی گروه‌های تروریستی لبنانی- سوری که قبلا به‌همراه ۵۴ نفر از همدستان خود با حکم قضایی به اعدام محکوم شده بود، به دام افتاد. نام الاسیر به وقایع خشونت‌بار شهر «صیدا» گره خورده است که در سال ۲۰۱۲ با به راه‌انداختن یک تحصن درازمدت در مخالفت با دولت «بشار اسد» و سازماندهی سنی‌های تندرو لبنانی برای دخالت در مناقشات سوریه خود را به تیرتر خیرها تبدیل کرد.

دولت لبنان طبق معاهده طائف و سیاست اجتناب از ورود به درگیری‌های نظامی تا زمانی که تحركات شیخ در چارچوب تحصن بود، هیچ اقدامی برای سرکوب وی و حامیان سلفی او انجام نداد. اما الاسیر که اعتراضات مسالمت‌آمیز در صفحه شطرنج سیاسی لبنان را برای اهداف خرابکارانه خود راضی‌کننده نمی‌پنداشت، در ژانویه ۲۰۱۲ با عبور از تمامی خطوط قرمز جامعه چندپارچه لبنان، وارد فاز جنگ‌های مسلحانه و مقابله با ارتش ملی این کشور شد. وی که مسجد «بلال بن‌راح» در شهر صیدا را تبدیل به دژ و ستاد نظامی کرده بود، علنا با درخواست دولت لبنان برای خلع سلاح مخالفت کرده و جنگی خونین با نیروهای ارتش به راه انداخت که گفته می‌شود حدود ۱۸ سرباز لبنانی در این درگیری‌ها جان خود را از دست دادند. بعد از شکست نیروهای شبه‌نظامی و تروریست درگیری‌های نظامی تا زمانی که تحركات شیخ در چارچوب تحصن بود، هیچ اقدامی برای سرکوب وی و حامیان سلفی او انجام نداد. اما الاسیر که اعتراضات مسالمت‌آمیز در صفحه شطرنج سیاسی لبنان را برای اهداف خرابکارانه خود راضی‌کننده نمی‌پنداشت، در ژانویه ۲۰۱۲ با عبور از تمامی خطوط قرمز جامعه چندپارچه لبنان، وارد فاز جنگ‌های مسلحانه و مقابله با ارتش ملی این کشور شد. وی که مسجد «بلال بن‌راح» در شهر صیدا را تبدیل به دژ و ستاد نظامی کرده بود، علنا با درخواست دولت لبنان برای خلع سلاح مخالفت کرده و جنگی خونین با نیروهای ارتش به راه انداخت که گفته می‌شود حدود ۱۸ سرباز لبنانی در این درگیری‌ها جان خود را از دست دادند. بعد از شکست نیروهای شبه‌نظامی و تروریست درگیری‌های نظامی تا زمانی که تحركات شیخ در چارچوب تحصن بود، هیچ اقدامی برای سرکوب وی و حامیان سلفی او انجام نداد. اما الاسیر در این درگیری‌ها که منجر به فرار و اختفای وی شد و عکس‌العمل به‌شدت محکوم‌کننده جامعه چندپارچه لبنان از اقدامات شیخ، خطری که می‌رفت تا ثبات و امنیت این کشور را در معرض تهدیدات واقعی و بازگشت به دوران جنگ‌های داخلی قرار دهد، تا حدود زیادی مهار شد که تا به امروز با وجود همه اختلافاتی که بین جناح‌های سیاسی این کشور درباره بحران سوریه و مناقشات منطقه وجود دارد، این اتحاد شکننده همچنان حفظ شده است. هرچند در مقطعی اقدامات الاسیر برای بعضی از جناح‌های سیاسی مخالف «حزب‌الله» در لبنان از جذابیت برخوردار بود، اما بعد از فروغلتیدن کشورهای همسایه در منازعات فرقه‌ای و گسترش چشمگیر بی‌ثباتی در منطقه مانند یک حباب ترکیب و فقط شیخ ماند و چند همراه که هر یک پناهگاهی برای اختفای خود می‌جستند. دستگیری الاسیر در شرایطی اتفاق افتاده است که بعضی از گروه‌های تروریستی فرقه‌گرای اسوری مانند «جبهه النصره» و «داعش» در مناقب مرزی بین دو کشور و بعضا در درون خاک لبنان به‌ویژه در شهر سنی‌نشین «عرسال» به‌شدت تلاش کردند تا دامنه جنگ را به خاک این کشور بکشانند. همراهی و حتی همدردی نکردن تمام جناح‌های سیاسی لبنانی با این تعرضات و همسویی تمام این جریانات با تمام تفاوت‌ها و اختلافات خود نسبت به این خطر، تا حدودی در این سال‌ها توانسته است ثبات و امنیت لبنان را بیمه کند.

حتی با گمانه‌زنی‌هایی که نسبت به ارتباط الاسیر با «سعد حریری»، رهبر موروثی سنی‌های لبنان، وجود دارد، با توجه به مواضع رهبران میانه‌روتر این جریان ازجمله «فواد سنویوره» و به‌ویژه اقداماتی که گروه‌های تروریست سوری برای قتل و حذف اقلیت مسیحی این کشور انجام داده‌اند و تأثیر منفی بزرگی بر جامعه مسیحی لبنان و هم‌پیمانان مارونی جناح حریری گذاشته است، بنیادگرایی تروریستی و امثال الاسیر در این جامعه به‌شدت منزوی شده‌اند. از طرف دیگر هنوز در جامعه لبنانی نقش ارتش به‌عنوان اصلی‌ترین رکن ملی در این کشور، بی‌بدیل است و الاسیر همان زمانی که در مقابل ارتش قرار گرفت، حکم مرگ سیاسی و محکومیت سنگین خزانگی خود را صادر کرد. شیخ مطرود در زمانی گرفتار شکنج و مجازات می‌شود که هیچ صدای قابل‌توجهی برای همدردی با وی در لبنان بلند نخواهد شد و این جدا از اینکه شکستی بزرگ برای اهداف تروریست‌های حاضر در سوریه برای کشاندن بحران به خاک لبنان خواهد بود، می‌تواند بیمه‌نامه ثبات و امنیت لبنان در این جهان و خاورمیانه پرآشوب هم تلقی شود و با منتهی‌الحد و مجازات الاسیر در چارچوب اطلاعات تازه‌ای که کسب شده است، دست مبارجوانان سلفی لبنانی را برای همیشه ببند.

منبع: وبسایت هفته‌نامه فوربس